

حاکمیت بین المللی قانون و نقش سازمان ملل متحد

در آستانه ورود به قرن بیست و یکم^(۱)

نویسنده: هانس کورل^(۲)
مترجم: نادر ساعد *

اشاره

کنفرانس "ورود به قرن بیست و یکم: به سوی حاکمیت قانون در روابط بین المللی" در نوامبر ۲۰۰۰ در مسکو برگزار شد. آقای هانس کورل، نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در امور حقوقی، در مقاله خویش به چالش های فرا روی تحقق حاکمیت قانون در سطح بین المللی پرداخت و نقش سازمان ملل متحد در برداشتن موانع مذکور را بیان داشت. یکی از جالب ترین نکات مندرج مقاله ایشان که در این کنفرانس قرائت شد، تأکید ویژه بر «الزامی بودن» آموزش حقوق بین الملل در مدارس و دانشگاه های کشورها است. قطعاً آرمان حاکمیت قانون در عرصه بین المللی در صورتی موضوعیت می یابد که در مرحله اول، «قانون» که همان حقوق بین الملل است، به خوبی درک گردد و همه تابعان حتی افراد از موازین آن آگاه گردند و علاوه بر آن، ملزم به اجرای آن شوند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و تجدید حیات مکتب یک جانبه گرایی در دستور کار برخی کشورها، تهدیدهای پدید آمده علیه حاکمیت بین الملل قانون، بسیار افزایش یافته و به همین دلیل ضرورت تعمیق این امر و حرکت به سوی چند جانبه گرایی بیشتر آمده شده است. آنچه در پی خواهد آمد متن کامل مقاله مذکور است.

مقدمه

با تمایل و علاقه بسیار دعوت شما به حضور در کنفرانس "ورود به قرن بیست و یکم: به سوی حاکمیت قانون در روابط بین المللی" را پذیرفتم. برگزار کنندگان این کنفرانس اظهار داشتند که امیدوارند این جانب نقش ملل متحد در ترویج شبکه حقوقی جهانی موجود و تشویق دولتها به رعایت کامل حقوق بین الملل و اقدام براساس آن را بیان نمایم.

سراغاز این کنفرانس، گزارش دبیر کل ملل متحد با عنوان "ما مردمان: نقش سازمان ملل متحد در قرن بیست و یکم" موسوم به "گزارش هزاره" می باشد. دبیر کل ملل متحد در این گزارش از جمله اعلام کرد که:

"در نگرش بلند مدت، گسترش حاکمیت قانون مبنای اغلب پیشرفتهای اجتماعی بوده که در هزاره گذشته به دست آمده است. البته این امر به ویژه در سطح بین المللی، موضوعی تمام نشده است و تلاش های

ما برای تعمیق آن ادامه دارد."

در این جا، مقصود دبیر کل، دقیق تر بیان خواهد شد. در این خصوص لازم است به سه موضوع اشاره نمایم: مفهوم حاکمیت قانون؛ نقش سازمان ملل متحد، دولت های عضو و دبیرخانه آن در تقویت حاکمیت قانون در روابط بین المللی؛ و نحوه مشارکت در «تحقق» حاکمیت قانون در سطح ملی و همچنین در سطح بین المللی.

حاکمیت قانون

لازم است که ابتدا به مفهوم حاکمیت قانون در سطح ملی نگاه کنیم. این مفهوم از پیشینه قدیمی برخوردار است. عبارت "حاکمیت قانون"، عبارتی انگلیسی است ولی در سایر زبانها نیز عبارتی شبیه آن وجود دارد.^(۳) در خصوص این مفهوم، مطالب زیادی نوشته شده است لیکن من به جزئیات راجع به پیشینه تاریخی و مفهوم آن نخواهم پرداخت.^(۴)

به همین نکته اکتفا می کنم که حاکمیت قانون بدین معنا است که اعمال قدرت در داخل یک کشور باید با رعایت کامل قوانین صورت پذیرد. بنابراین، هیچ شخصی از جمله رئیس کشور، پارلمان، قوه مجریه، قوه قضائیه و سایر مقامات حکومتی، به وسیله قانون اساسی محدود و متعهد شده اند و باید در چارچوب محدوده هایی که به وسیله آن قانون تعیین و ترسیم شده است، عمل نمایند. آنها همچنین به وسیله مقررات موضوعه و تقنینی مصوب پارلمان و به وسیله فرامان های صادر نشده در سطوح پایین تر از قانون اساسی - توسط قوه مجریه یا سایر نهادهای برخوردار از صلاحیت تقنینی - محدود می شوند.

حاکمیت قانون بدین معناست که نهادهای تقنینی نیز مکلفند قوانین را که خود تصویب کرده اند، رعایت نمایند. نکته بسیار مهم به ویژه در رابطه با پارلمان این است که در اقدامات تقنینی

خویش محدود به گستره ای است که به وسیله قانون اساسی تعیین شده است. مطمئناً، قانون اساسی را می توان اصلاح کرد اما این امر مستلزم رعایت تدابیر و آیین های خاص است. برخی اوقات این ضرورت آن است که اصلاحات مذکور با دو تصمیم متوالی ایجاد شده باشد.

مقامات قضایی و سایر مقامات عمومی در اعمال اختیارات و وظایف و انجام اشتغالات خود، تابع قانون موجود می باشند. این بدان معنا است که جز در موارد استثنایی، این قوه به عنوان مرجعی برای تشخیص این که آنها باید قانون را کلاسیک اعمال کنند، نیست. به عکس، آنچه ضرورت دارد اعمال بی طرفانه و مستقل قانون توسط قوه قضائیه است. سایر مقاماتی دولتی یا محلی نیز باید قانون را عیناً براساس نص و مقصود آن اعمال نمایند. کوتاه سخن آنکه، اقتدار در گستره امور عمومی باید «براساس مطابق با قانون» اعمال شود.

در این سطح، فکر می کنم بسیار مهم است تأکید کنم ضرورت حاکمیت قانون مبتنی بر این فرض قبلی است که اعمال قانون و اجرای آن، به اشخاص واجد تمامیت، استقلال و بیطرفی لازم محول شود. این امر به ویژه به قوه قضائیه اعطا می شود.^(۵) فرض می شود کسانی که قانون را اعمال می کنند از سایر قوا و نهادها به ویژه از مقامات سیاسی دستور نمی گیرند. بر این که استقلال و بیطرفی قوه قضائیه تا چه اندازه مهم است، نمی توانم به قدر کافی تأکید کنم. در این جابه ویژه به ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۹۶^(۶) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استناد می کنم. در هر صورت، حاکمیت قانون مستلزم این است که نه تنها قوه قضائیه و محاکم بلکه اشخاصی که در گستره امور عمومی اعمال اقتدار می کنند، براساس قانون عمل نمایند.

حاکمیت قانون در روابط بین المللی

اینک سؤال این است که آیا اصل حاکمیت قانون می تواند در سطح بین المللی و به عبارت دقیق تر، در

روابط بین المللی اعمال شود؟ بی تردید پاسخ من مثبت است.

اجازه می خواهم نخست توجه شما را به منشور ملل متحد^(۷) جلب نمایم. در مقدمه منشور آمده است که مردمان ملل متحد عزم راسخ دارند تا شرایطی را که در آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین المللی می تواند حفظ شود^(۸) انجام نمایند. علاوه بر این، بند ۱ ماده ۱ منشور اشعار می دارد که یکی از اهداف و مقاصد ملل متحد عبارت است از «ارائه شیوه های صلح آمیز و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین الملل برای تعدیل و حل و فصل اختلافات بین المللی یا وضعیت هایی که ممکن است به نقض صلح منجر شود». براساس بند ۳ همان ماده، هدف دیگر «تشکیل سازمان ملل متحد» عبارت است از حصول همکاری بین المللی «در ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای بنیادین برای همگان بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب».

مقررات مفصل تر راجع به حل و فصل اختلافات، در فصل ششم منشور آمده است و همان طور که می دانید، یکی از ارکان اصلی ششگانه ملل متحد، دیوان بین المللی دادگستری می باشد. شایان ذکر است که یکی از مقاصد ملل متحد مشارکت در استقرار حاکمیت قانون در روابط بین المللی است.

حاکمیت قانون در سطح بین المللی که به طور فزاینده ای توسط دولتها پذیرفته شده است امروزه به وسیله طرز عمل و رویه دولتها نیز متجلی می شود. موضوعاتی وجود دارد که دولتها تمایل دارند روابط خویش درباره آنها را از طریق معاهدات تنظیم نمایند.

دولتهای متعدد تلاش وافر دارند تا تعهدات خود را انجام دهند و اگر اختلافی [میان آنها] بروز کند، بیشترین تلاش خود را به حل و فصل آنها با استفاده از روشهای مسالمت آمیز موجود معطوف می نمایند. علاوه بر این، اگر گفته شود که یک دولت حقوق بین الملل را نقض می کند، دولت

مذکور نگرانی عمده ای احساس می کند و تلاش می نماید تا در مقابل ادعای مذکور از خود دفاع کند. زیرا مظنون شدن یا متهم شدن به نقض حقوق بین الملل به امری ایذائی و نگران کننده تبدیل شده است و اگر صورت پذیرد، غالباً انتقاد عمومی در سطح ملی علیه حکومت را به دنبال دارد.

قانون موجود در سطح بین المللی

اینک باید دید که قانون موجود در سطح بین المللی کدام است. امروزه مهمترین منبع حقوق بین الملل، قواعد

حقوقی است که در معاهدات درج می شود. امروزه در جهان هیچ اقدام مهمی چه در سطح فردی و چه در سطح دولتها وجود ندارد که برخی معاهدات بین المللی بر روی آن اثر نداشته باشد. پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، دولتها چندین هزار معاهده منعقد کرده اند. بیش از ۵۰۰ معاهده نزد دبیر کل ملل متحد تودیع شده است. در واقع در اکتبر امسال (۲۰۰۰)، دبیر کل ملل متحد، مرجع نگهدارنده و امین ۵۱۷ معاهده چند جانبه بوده است.^(۹) این معاهدات، ضمن تنظیم رفتار و عملکرد ملل - و از دید دیگر، همچنین رفتار افراد چارچوب جامع قواعد حقوقی را تشکیل می دهند. بسیاری از معاهدات چند جانبه مربوط به نگرانیهای اصلی و مهم جامعه بین المللی، تحت نظر و توجهات ملل متحد مورد مذاکره قرار گرفته اند. برخی از معاهدات راجع به حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، در چارچوب این سازمان مورد مذاکره

واقع شده اند.^(۹)

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، در این خصوص نقش مهمی ایفا کرده است. کمیسیون حقوق بین الملل، اسناد دیگری را تنظیم نموده است. معاهدات ملل متحد درباره روابط دیپلماتیک و کنسولی، حقوق معاهدات، تروریسم و موضوعات مرتبط دیگر را می توان به عنوان نمونه یادآوری کرد.^(۱۰) شماری از کنوانسیون های مرتبط با حقوق تجارت، در چارچوب کمیسیون حقوق تجارت بین الملل ملل متحد (آنسترال) مذاکره شده اند.^(۱۱) این قواعد رفتاری قرار دهنده، طیف و

عمومی نقش مهمی ایفا می کند. حقوق بین الملل عرفی از طریق اقدامات و عملکرد دولتها ایجاد می شود. اقدامات و عملکردهایی که به صورت الگو و یکنواخت در می آیند و بتدریج در چارچوب قواعدی که توسط دولتها لازم الرعایه تلقی می شوند، تکوین و مستقر می گردند.

در این جا، تمایل دارم به [بند ۱] ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری که بخش لایتجزای منشور ملل متحد را تشکیل می دهد، اشاره کنم. [براساس این ماده] دیوان در تصمیم گیری مطابق با حقوق بین الملل پیرامون اختلافاتی که به آن ارجاع می شود باید از جمله موارد زیر را اعمال نماید:

- معاهدات بین المللی اعم از عام یا خاص که موجب قواعدی باشند که به صراحت از سوی دولتهای طرف اختلاف مورد پذیرش قرار گرفته باشند؛

- عرف بین المللی به عنوان دلیل رویه ای عام که همانند قانون پذیرفته شده باشد؛ - اصول کلی حقوقی شناخته شده توسط ملل متمدن.

نکته بسیار مهم این که حقوق قراردادی ممکن است در طول زمان به صورت حقوق بین الملل عرفی درآید. این بدان معنا است که وقتی یک معاهده به وسیله شمار زیادی از دولتها پذیرفته می شود و رفتار ناشی از آن معاهده به صورت رویه پذیرفته شده دولتها درمی آید، محتوای آن معاهده ممکن است تشکیل قاعده عرفی «عام» را بدهد که کلیه دولتها و دیوان بین المللی دادگستری براساس آن عمل خواهند کرد. کنوانسیون های راجع به روابط دیپلماتیک و کنسولی، بهترین نمونه این امر هستند. گرچه این کنوانسیونها مورد تصویب یا الحاق جهان شمول قرار نگرفته اند، لیکن اکنون حداقل در اغلب جهات، حقوق الملل عرفی تلقی می شوند. علاوه بر این، سندی که اساسا تنها به عنوان اعلامیه تصویب شده است می تواند در گذر زمان بصورت قانون لازم الاجرا و الزام آور درآید. مایلم اعلام کنم که اعلامیه

جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ که به عنوان قطعنامه مجمع عمومی تصویب شد، امروزه حقوق بین الملل عرفی می باشد.^(۱۲) بنابراین واضح است که اکنون مجموعه وسیعی از قانون وجود دارد که توسط دولتها پذیرفته شده و مبنای عکس العمل آنان نسبت به آن را تشکیل می دهد. لیکن مسأله این است که قانون همیشه در سطح بین المللی رعایت نمی شود. در سطح ملی، هر شخص مشمول صلاحیت محاکم ملی است. نهایتا، مقامات ملی، احکام این محاکم را اجرا می نمایند. اما ترتیبات مشابهی در سطح بین المللی وجود ندارد. اجازه دهید این موضوع را بررسی کنیم. به یقین، دیوان بین المللی دادگستری می تواند اختلافات را مورد رسیدگی قرار دهد مشروط بر آن که دولتهای مورد نظر (طرف اختلاف) صلاحیت دیوان را پذیرفته باشند یا بپذیرند. لیکن وقتی که حکم [دیوان] صادر شود، دولتهای مذکور براساس منشور (بند ۱ ماده ۱۴) مکلفند که خود حکم مزبور را به اجرا در آورند. مسأله ممکن است به شورای امنیت ارجاع شود و شورای مذکور ممکن است توصیه هایی بنماید و اگر عدم پایبندی تشخیص دهد، در خصوص تدابیر به اجرا در آوردن رأی اتخاذ تصمیم نماید (بند ۲ ماده ۹۴ منشور).

در هر صورت، تاکنون اقدامی براساس این ماده اتخاذ نشده است. برخی اوقات می بینیم که دولتها این تعهد را رعایت نمی کنند. با این حال، گفتنی است که دولتها به احکام صادره از دیوان بین المللی دادگستری تن می دهند و آنها را با حسن نیت اجرا می نمایند. ما تحول تدریجی ساختار سایر محاکم در سطح بین المللی به ویژه در زمینه حقوق بشر را نیز شاهد بوده ایم. دیوان بین المللی حقوق دریاهای را نیز باید در این سطح مورد اشاره قرار داد.^(۱۳) علاوه بر این، سازمانهای منطقه ای محاکمی را برای رسیدگی به مسایل داخل در صلاحیت اعطا شده به این تأسیسات، ایجاد کرده اند.^(۱۴) لازم است که به ویژه به

گستره اقدام و عملکرد بشر را در برمی گیرند: حقوق بشر، امور بشر دوستانه، روابط اقتصادی و مالی، محیط زیست، بهداشت، پست و مخابرات، ارتباطات جاده ای، هوایی و دریایی، استفاده از فضا و مایورای جو و نظایر آن فهرست معاهدات «موجود»، تنوع قابل توجهی از موضوعاتی را که دولتهای عضو برای مشارکت همدیگر در حل مسائل مورد علاقه مشترک لازم دانسته اند، نشان می دهد. معاهدات مذکور غلابی و تمایل دولتها برای تأسیس حقوق و تعهدات قابل اجرا میان خویش - به ویژه برای تقویت بیشتر حاکمیت بین المللی قانون - را نیز منعکس می نماید و در عین حال، نگرانیها و رؤیاهای مردم عادی و جوامع مدنی را متبلور ساخته، در بهبود زندگیشان، نقش مهمی ایفا می کند. علاوه بر این، شایان ذکر است که حقوق بین الملل عرفی نیز در خصوص نگرانیهای

اساسنامه رم ۱۹۹۸ پیرامون دیوان بین‌المللی کیفری^(۱۵) نیز اشاره شود. این اساسنامه پس از تصویب آن توسط ۶۰ دولت، لازم‌الاجرا خواهد شد.^(۱۶) در حال حاضر ۲۱ دولت آن را تصویب کرده‌اند.^(۱۷) با ایجاد این دیوان، حلقه گمشده نظام حقوق بین‌المللی، ایجاد شد. امید می‌رود که تکوین و موجودیت یافتن این دیوان در «تحقق و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در جهان، مشارکت بنیادین نماید. به گفته کوفی عنان، دبیر کل ملل متحد، دیوان مذکور را می‌توان «پدیده‌ای از امید برای نسلهای آینده»^(۱۸) تلقی نمود. اما اگر یک دولت حکم صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری را محترم نشمارد، چه اتفاقی می‌افتد؟ برای تأمین و تضمین پذیرش و موافقت [دولت محکوم به اجرای حکم دیوان] روشهای آماده‌ای وجود ندارد. متأسفانه، اگر دولت متخلف از [اجرای حکم، قوی‌تر بوده و بر استمرار رفتار خویش مصمم باشد، احتمال کمتری وجود دارد که رفتار خود را اصلاح کند. در هر صورت، نهایتاً راه حل این است که از دولت تبعیت‌نکننده و اجرا‌نکننده حکم دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان موجب تهدید صلح و امنیت [بین‌المللی] نزد شورای امنیت شکایت نمود، سپس شورای مذکور می‌تواند با اعمال فصل هفتم منشور به منظور تأمین اجرای حکم دیوان، اقدامات قهری را تجویز کند. اما این گزینه، راه حلی بسیار نادر و غیر احتمالی می‌باشد.

نقش سازمان ملل متحد، دولتهای عضو و دبیرخانه آن در تقویت حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی اکنون به دومین بخش از این مقاله می‌پردازیم: سازمان ملل متحد، دولتهای عضو و دبیرخانه آن چه نقشی در تقویت حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی ایفا می‌کنند؟ در این خصوص بین خود سازمان و دبیرخانه تفکیک و تمیز قابل می‌شوم. اگر نگاه خود را بر سازمان متمرکز کنیم، اعلامیه هزاره که اخیراً تصویب گردید.^(۱۹) در کنار سایر تکالیف مقدم

بشر، ضرورت تقویت حاکمیت قانون و همچنین نقش این سازمان در قرن بیست و یکم را برجسته می‌سازد. نتیجه نشست هزاره رؤسای کشورها و حکومتها که در ۶-۸ سپتامبر امسال برگزار شد، دستاورد تلاشهای چند سویه کل جامعه بین‌المللی از جمله به منظور ایجاد چارچوب حقوقی مناسب برای جامعه جهانی شده نوین است. سازمان ملل متحد نقشی مرکزی در این فرایند ایفا می‌کند. دهه حقوق بین‌الملل (۱۹۹۰-۱۹۹۰) نمونه‌ای از مشارکت اخیر سازمان ملل متحد در استقرار حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی است. همان‌گونه که در قطعنامه ۱۷ نوامبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی آمده است. این دهه نقش مهم و مؤثری در تقویت حاکمیت حقوق بین‌الملل داشته است.^(۲۰) این امر، از طریق ترویج روشها و راههای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌الدولی، پیشبرد توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن و تشویق آموزش، مطالعه، انتشار و ترویج گسترده تر حقوق بین‌الملل حاصل شده است.

این دهه موفقیتی برای تلاشهای متمرکز دولتها، سازمانهای و نهادهای بین‌المللی در کلیت آن، از جمله نمایندگان برجسته مشاغل حقوقی، وکلا و دانش‌آموختگان بود. مشارکت این دهه در ترویج حاکمیت قانون را می‌توان با اشاره به تصویب بسیاری از کنوانسیون‌های مهم از جمله دستاوردهای تاریخی نظیر تصویب اساسنامه رم (۱۹۹۸) دیوان کیفری بین‌المللی توصیف نمود. ایجاد یک نظام مؤثر اجرای حقوق بین‌الملل و ابداع ابزاری قدرتمند برای مبارزه با «ارتکاب» جرایم هولناک (جنایت) بر روی این سیاره، همیشه از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. [نمونه] مشارکت مهم دیگر سازمان ملل متحد در تقویت حاکمیت قانون، جشن‌های یادواره نخستین کنفرانس بین‌المللی صلح لاهه است که به ابتکار روسیه و هلند در سال ۱۸۹۹ برگزار شده بود. همان‌گونه که به وسیله

کوفی عنان، دبیر کل ملل متحد بیان شد: «نتایج مباحث و جلسات برگزار شده در لاهه و سن پترزبرگ نه تنها برنامه نخستین کنفرانس صلح را به طور مهمی به پیش برد بلکه به بحث جهانی حیاتی پیرامون نقش سازمان ملل متحد در پیشگیری از مخاصمه رفع نقض فاحش و منظم حقوق بشر کمک نمود». کنفرانسی که اکنون من در آن حضور دارم با مشارکت سازمان ملل متحد و انجمن روسی حقوق بین‌الملل برگزار شده و یادآور سنت نقش فعال روسیه و حقوقدانان بین‌المللی آن در یافتن راه حل‌هایی برای مهمترین مسائل در دستور کار جامعه بین‌المللی

به ویژه مسائل مرتبط با تقویت نظام حقوقی بین‌المللی است. این کنفرانس، گام مهم دیگری است که در همکاری فعال بین نمایندگان دولتها، سازمان ملل متحد و نمایندگان حرفه‌ای جامعه مدنی به عنوان حقوقدانان بین‌المللی سراسر جهان، برگزار شده است. علاقه جامعه بین‌المللی به پیگیری و به حقوق بین‌الملل و اتخاذ اقداماتی متعاقب آن در قطعنامه‌های نهایی مجمع عمومی پیرامون این موضوع، منعکس شده است.^(۲۱) این قطعنامه‌ها بیانگر آنند که دولتها، سازمانها و نهادهای بین‌المللی باید به تشویق و ترویج اقدام در عرصه حقوقی با هدف مشارکت در [تحقق] اهداف این دهه ادامه دهند. دهه مذکور را می‌توان به عنوان پیش زمینه و مقدمه‌ای برای بنیاد حقوقی تمدن جدیدی که در گزارش هزاره دبیر کل ملل متحد و اعلامیه هزاره مصوب نشست هزاره مجمع عمومی مورخ ۸

سپتامبر ۲۰۰۰^(۲۲) پیش بینی شده است، تلقی نمود. گزارش دبیر کل ضرورت تقویت احترام به قانون هم در امور بین المللی و هم در امور ملی به ویژه مقررات پذیرفته شده در معاهدات کنترل تسلیحات و حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بشر را مطرح می کند. دبیر کل از کلیه دولت هایی که تاکنون میثاق ها، کنوانسیون ها و معاهدات تشکیل دهنده عناصر اصلی حقوق بین الملل را امضا یا تصویب کرده اند خواست که به این امر مبادرت ورزند. وی از جمله بر ضرورت پایان دادن به "فرهنگ فرار از

مجازات" و ایجاد دیوان کیفری بین المللی تأکید کرده است. وی همچنین ارائه معاضدت فنی به دولتها جهت تسهیل مشارکتشان در اسناد حقوقی بین المللی را پیشنهاد نمود. دبیر کل در بیان شکل ها و قواعد جدید اداره امور جهانی می گوید که "تعداد فزاینده ای از بازیگران غیر دولتی، سازمانهای غیردولتی - مؤسسات بخش خصوصی و آژانس های چند جانبه، به جمع دولت ها و سازمان های بین الدولی پیوسته اند. دبیر کل در این رابطه ضرورت جرح و تعدیل کار این سازمان (سازمان ملل متحد) به گونه ای که بتواند از مشارکت های جامعه مدنی کاملاً بهره مند گردد، تأکید کرد. بیانیه هزاره به منظور ذکر ارزشهای بنیادین روابط بین المللی در قرن بیست و یکم در قالب اقدامات، برخی اهداف کلیدی از جمله در زمینه حقوقی را شناسایی کرده است. اجازه می خواهم که چهار مورد زیر را نقل نمایم:

- تقویت احترام به حاکمیت قانون در امور بین المللی و همچنین در امور ملی و به ویژه تضمین پایبندی دولت های عضو به تصمیمات دیوان بین المللی دادگستری (در مطابقت با منشور ملل متحد) در مواردی که آنها طرفین آن هستند؛

- مؤثرتر کردن نقش سازمان ملل متحد در حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات؛

- تضمین اجرای معاهدات در زمینه هایی نظیر کنترل تسلیحات و خلع سلاح و حقوق بین المللی بشر دوستانه و بررسی امضا و تصویب اساسنامه رم درخصوص دیوان کیفری بین المللی؛

- اتخاذ اقدامات منسجم علیه تروریسم بین المللی و توجه به عضویت هر چه سریعتر کلیه دولتها در کنوانسیون های بین المللی مربوط به آن؛

- به حداقل رساندن آثار زیانبار تحریم های اقتصادی سازمان ملل متحد بر جمعیت بی گناه، بررسی منظم رژیم های این تحریم ها و امحای آثار زیانبار تحریم ها بر طرف های ثالث؛

در این بیانیه، دولتهای عضو متعاقب و در پی شماری از تعهدات مفصل (بندهای ۲۵ و ۲۶) تعهد زیر را تقبل کرده اند:

"ما از هیچ تلاشی برای ترویج دموکراسی و تقویت حاکمیت قانون همچنین احترام به کلیه حقوق بشر و آزادی های بنیادین شناخته شده بین المللی از جمله حق توسعه فروگذار نخواهیم کرد". مهمترین نقشی که سازمان ملل متحد می تواند درخصوص حاکمیت قانون در روابط بین المللی ایفا کند، پشتیبانی و پایدار کردن قواعد مندرج در معاهدات موجود است. زیرا این امر برای فعالیت مؤثر جامعه بین المللی بسیار مهم و حیاتی است. با وجود این، برخی از این معاهدات اگر چه برای مدت زمان مشخص جهت امضا تصویب یا الحاق مفتوح بوده اند لیکن حتی تاکنون نتوانسته اند مشارکت

جهانی را جلب و تحصیل نمایند. در ماه مه امسال، دبیر کل ضمن ارسال نامه ای به کلیه رؤسای کشورها و حکومتها از آنها خواست تا فرصت فراهم آمده به وسیله نشست هزاره برای امضا و تصویب یا الحاق به معاهدات مذکور غنیمت شمارند. وی در نامه خویش، رؤسای کشورها و حکومتها را ترغیب کرد تا به گروهی متشکل از ۲۵ معاهده چند جانبه که توسط وی به عنوان تجلی مقاصد منشور و منعکس کننده ارزش های کلیدی این سازمان تلقی شده بودند، توجه ویژه ای مبذول دارند.^(۲۳) این ابتکار موفقیت خوبی در پی داشت. در طول سه روز نشست، در کل ۲۷۳ اقدام درخصوص معاهدات مذکور انجام شد. اقدامات مذکور شامل ۱۸۷ امضا و ۸۶ تصویب یا الحاق بود. ۵۹۴ امضا و تصویب پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک راجع به استفاده از کودکان در درگیریهای مسلحانه؛ ۱۲ امضا و ۴ تصویب اساسنامه رم دیوان کیفری بین المللی؛ و ۷ تصویب و الحاق به کنوانسیون ایمنی ملل متحد و کارکنان وابسته. با این حال، آرزوی مشارکت جهان شمول در چارچوب معاهدات چند جانبه هنوز از واقعیت دور مانده است. علاوه بر این، تحقق حاکمیت قانون در امور بین المللی، برای رضایت دولت ها به متعهد کردن خویش به وسیله معاهدات، کافی نیست.

اگر مردمان کلیه ملل باید در ایجاد نظم حقوقی جهان مشارکت کنند و از منابع آن برخوردار شوند، دولتها نیز باید تعهدات مندرج در معاهداتی را که خود منعقد کرده اند، محترم بشمارند اجرا نمایند. و این نقطه ای است که خود دولتهای عضو باید بر آن تمرکز نمایند.

معاهده ای که فرایندی را ایجاد می کند، تلاش متمرکزی است که باید با تن دادن هر یک از دولتها به تعهدات آن، تکمیل شود. اجازه دهید که به اقدامات دبیرخانه و صندوق ها و برنامه های ملل متحد اشاره کنم

دبیرخانه سازمان ملل متحد در پیگیری مقصود حاکمیت قانون، تدابیر گسترده‌ای را اتخاذ نموده است تا به ایجاد شرایط تضمین اجرای حقوق بین الملل کمک نماید. تعدادی از دفاتر، بخش‌ها، برنامه‌ها، صندوق‌ها و آژانس‌های ملل متحد به درخواست حکومت‌ها به آنها در تنظیم قوانینی که در سطح ملی برای تضمین اجرای تعهدات قراردادی قابل شده یا محتمل القبول لازم است، کمک می‌کنند.^(۲۴) همچنین، شماری از مؤسسات ملل متحد در انجام برنامه‌های آموزشی کشورها پیرامون بخشهای خاص حقوق بین الملل برای افرادی را که کارشان با اجرای حقوق مذکور مربوط می‌شود، یاری می‌نمایند. برای مثال، مأمورین اجرای قانون (پلیس)، مسؤولین زندان و مسؤولین مهاجرت در این آموزش‌ها شرکت داده می‌شوند.^(۲۵) بدیهی است که هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن باقی مانده است. بسیاری از افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها وجود دارند که از اعمال حقوق و منافعی که حقوق بین المللی و معاهدات برای آنها پیش بینی کرده‌اند خودداری می‌ورزند. برخی اوقات، این امر از قصور عمدی مقامات ملی در شناسایی و رعایت تعهدات خویش براساس حقوق بین الملل نشأت می‌گیرد. غالباً دلیل آن این است که مقامات مذکور برای تضمین اجرا و اعمال مناسب تعهدات مذکور فاقد تخصص و منابع لازم هستند. آنچه ضرورت دارد این است که برای ایجاد تدابیر و ترتیبات اداری لازم، آموزش افراد درگیر با اعمال آن‌ها و آشنا کردن آن‌ها با قواعد بین المللی که آن‌ها برای اعمال آن‌ها منصوب و گمارده شده‌اند، قانون مقتضی تنظیم و تصویب گردد. دبیرخانه سازمان ملل متحد به منظور نقش آفرینی در تقویت حاکمیت حقوق بین الملل برنامه عمل را اتخاذ کرده است که شماری از تدابیری را که توسط مؤسسات مختلف واقع در نظام ملل متحد می‌توانند اتخاذ شوند دربر می‌گیرد.

ترغیب مشارکت در معاهدات چند جانبه

اقداماتی که بدین منظور اتخاذ شده‌اند عبارتند از:

- درخواست منظم امضا و تصویب معاهدات؛ مخاطب و هدف این درخواست‌ها نه تنها دولت‌ها بلکه بازیگران غیر دولتی، سازمان‌های غیر دولتی و سایر گروه‌ها در جامعه مدنی است. که درخصوص معاهده موردنظر علاقه و منفعت خاصی دارند و هدف از این امر جلب حمایت آنها است؛
- ایجاد آگاهی میان نمایندگان مجلس و مراکز تحقیقاتی راجع به راهبردهای عمومی ۷ انجمن‌های حرفه‌ای حقوقی و عموم هم درخصوص ۲۵ معاهده "بنیادین" مندرج در نامه دبیر کل ملل متحد پیرامون اجلاس هزاره و هم وضعیت آن‌ها از نظر امضا و تصویب؛
- ارائه معاضدت فنی به کشورها برای انجام تشریفات لازم برای معاهدات.

کمک به دولتها در تهیه قانون اجرای لازم

شماری از بخش‌ها، برنامه‌ها، صندوق‌ها و آژانس‌های دبیرخانه کشورها را در تنظیم یا تجدید نظر در قوانین ملی جهت اجرای تعهدات بین المللی خویش یاری می‌نمایند. پذیرفته شده است که این کمک‌ها باید تا حد امکان به طور غیردولتی نیز در صورت لزوم بررسی می‌گردد.

آموزش و تعلیم قضات و حقوقدانان

دبیرخانه، برنامه‌ها، صندوق‌ها و آژانس‌ها به طور فعال موارد زیر را انجام می‌دهند:

- برگزاری دوره‌هایی در سطح بین المللی که قضات و حقوقدانان ممکن است داوطلبانه در آن شرکت نمایند؛

- درخواست تصویب ترتیبی برای اعلام صلاحیتدار بودن قضات و حقوقدانانی که در کل آموزش حرفه‌ای خود، دوره‌ای را پیرامون حقوق بین الملل گذرانده‌اند؛

- جلب کمک انجمن‌های بین المللی و ملی حقوقدانانی که در زمینه حقوق بین الملل فعال هستند. آموزش سایر افراد درگیر با اعمال

حقوق بین الملل

اخیراً سازمان ملل متحد شمار قابل توجهی از برنامه‌های آموزشی پیرامون بخش‌های مختلف حقوق بین الملل را برای افرادی که در سطح ملی با اعمال آن سروکار دارند، پیش بینی و برگزار کرده است. دبیرخانه در حال بررسی مراحل مربوط به بهبود هماهنگی این اقدامات آموزشی می‌باشد. آموزش و گسترش حقوق بین الملل، ضروری است. حقوقدانان، وکلا و مدیران باید از حقوق بین الملل آگاه باشند و با مفاهیم اصلی و متدولوژی آن آشنا باشند. لیکن حقوق بین الملل حتی در کلیه

دانشکده‌های حقوق تدریس نمی‌شود. بنابراین دبیرخانه، برنامه‌ها، صندوق‌ها و آژانس‌ها در حال بررسی گامهای لازم برای بهبود آموزش و تدریس بین المللی در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات عالی، دوره‌های حقوقی و روابط بین الملل، تجارت و مدیریت عمومی می‌باشند.

در این خصوص باید یادآوری کنم که اخیراً نامه‌ای به رؤسای مدارس حقوقی سراسر دنیا نوشته‌ام و در آن اهمیت تدریس حقوق بین الملل را ذکر کرده‌ام.^(۲۶) دلیل آن این است که همان‌طور که قبلاً گفته شد، حتی امروزه حقوق بین الملل در کلیه مدارس حقوقی نیز تدریس نمی‌شوند. این که این حقوق در کجا تدریس می‌شود معمولاً موضوع "اصلی" یا اجباری مطالعه نیست. علاوه بر این، در دوره‌های مدیریت عمومی و سیاست نیز معمولاً این موضوع تدریس نمی‌شود. به منظور کمک به دانشگاه‌هایی که ممکن است در ایجاد

شرایط مناسب برای برگزاری دوره‌های حقوق بین‌الملل و شناسایی موضوعات آموزشی مربوط نیاز به کمک داشته باشند، حمایت گروهی از حقوق‌دانان و استادان مهم دانشگاه را جلب کرده‌ام. از شما می‌خواهم که به این شبکه بپیوندید یا در صورت امکان، از منابعی که آن شبکه ارائه می‌کند، بهره‌مند شوید.^(۲۷) علاوه بر این، برای استمرار محتوای برنامه عمل مذکور، عموم افراد نیز باید به آن دسترسی داشته باشند تا با کسب اطلاعات لازم بتوانند اجرای مناسب آن را تأمین و تضمین نمایند.

در این خصوص، اقدامات زیر را باید متذکر شد:

- انتشارات و مطبوعات دارای ماهیت حقوقی به‌طور منظم به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌شوند و اطلاعات راجع به کار ارکان حقوقی ملل متحد اکنون بر روی اینترنت منعکس می‌شود.

- تلاش برای ایجاد کتابخانه‌ای از نوارهای ویدئویی برای توزیع آنها میان کشورهای در حال توسعه جهت مصارف خویش در بهبود و تقویت برنامه‌های آموزشی ملی، در حال انجام می‌باشد.

- سایت‌های رایانه و اینترنت برای دیوان بین‌المللی دادگستری؛ دیوان کیفری بین‌المللی؛ کمیسیون حقوق بین‌المللی؛ تدوین، توسعه و ترویج حقوق بین‌الملل؛ معاهدات؛ آنتی‌تال؛ حقوق دریاها؛ کمیته ششم و سایت اینترنت شورای حقوق ایجاد شده‌اند.^(۲۸)

- سازمان ملل متحد نیز در شبکه اطلاعات حقوقی جهانی که به وسیله کتابخانه کنگره ایالات متحده اداره می‌شود مشارکت دارد. این شبکه داده‌های مربوط به کار سازمان ملل متحد را به داده‌های خود ارائه می‌کند.

نحوه مشارکت عمومی در تحقق حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی

پیدااست که برای تقویت حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی به‌هیچ‌نظری عملی، مسائل زیادی وجود دارد که سازمان ملل متحد آنها را انجام می‌دهد و

انجام خواهد داد. بخش سوم سخنان من این سؤال است: شما برای مشارکت در حاکمیت قانون در سطح ملی یا بین‌المللی چه کاری می‌توانید بکنید؟ بدون آن که این فرصت را از دست بدهیم، حمایت شما و حمایت مؤسسات و سازمان‌هایی را که به آن تعلق دارید یا نماینده آن هستید، درخواست می‌کنم.

از شما می‌خواهم با هر اقدامی که می‌توانید آگاهی نمایندگان مجلس، مراکز تحقیقاتی راهبردهای عمومی، انجمن‌های حرفه‌ای حقوقی، دانشجویان و عموم را نسبت به معاهدات چندجانبه کلیدی که جامعه بین‌المللی در نیم‌قرن گذشته منعقد کرده‌است و نسبت به اهمیت فزاینده امضا و تصویب آنها توسط دولت شما (اگر قبلاً به این امر مبادرت نکرده باشید) را افزایش دهید. علاوه بر این، اتخاذ اقداماتی به منظور افزایش آگاهی از حقوق بین‌المللی هم میان عموم و به‌طور مهم‌تر میان کسانی که درگیر اعمال حقوق بین‌الملل هستند به ویژه وکلا، حقوق‌دانان و قضات از اهمیت بنیادین برخوردار است. از آن‌جا که حقوق بین‌الملل لحظه به لحظه عرصه بیشتری از زندگی و فعالیت روزمره را تحت پوشش قرار می‌دهد، حتی بخش وسیع‌تری از قوانین هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد، این حقوق مسئولیت خاصی را بر حقوق‌دانان و کسانی که آنها را آموزش و تعلیم می‌دهند تحمیل می‌کند. دیگر حقوق بین‌الملل را نمی‌توان "مسأله‌ای اختیاری" تلقی کرد که حقوق‌دانان بتوانند بر مبنای تمایل خویش آن را آموزش داده یا از آموزش آن خودداری ورزند. برای پاسخگویی رضایت بخش به درخواست‌های بنیادین حاکمیت قانون، امروزه حقوق‌دانان باید با حقوق بین‌الملل آشنا باشند، تعدادی آن را در مدارس بیاموزند، نحوه پژوهش درباره آن را بدانند و به‌هنگام درخواست، آن را اعمال نمایند.

- این امر در قبال پیشینه‌ای است که شما در اقدامات اتخاذ شده توسط دبیر کل و درخواست من از مسئولان مدارس حقوق جهان مشاهده می‌کنید. بنابراین، شما و سازمان‌هایی که به آن تعلق دارید یا نماینده آن هستید را به برگزاری دوره‌هایی درباره حقوق بین‌الملل که

قضایات و حقوق‌دانان بتوانند داوطلبانه در آن شرکت کنند، فرامی‌خوانم. علاوه بر این از شما می‌خواهم از تصویب ترتیب تأیید کننده صلاحیت قضایات و حقوق‌دانانی که در کل آموزش حرفه‌ای خود دوره‌ای درباره حقوق بین‌الملل گذرانده‌اند، حمایت کنید و نیز می‌خواهم که اگر در توان و حوزه صلاحیت شما است در ترویج پذیرش تشکیل دوره‌هایی درباره حقوق بین‌الملل فعالانه کمک نمایید.

نتیجه‌گیری

نتیجه این که امیدوارم توانسته باشم مقصود از حاکمیت قانون را هم در سطح ملی و هم بین‌المللی در عباراتی ساده تشریح نموده و روشن کرده باشم. در حال حاضر مجموعه‌ای فنی از حقوق بین‌الملل وجود دارد و آنچه واقعا ضروری است پذیرش جهانی و احترام کامل به این حقوق است. امیدوارم که توانسته باشم نقش سازمان ملل متحد در تقویت حاکمیت قانون در روابط بین‌الملل و کاری را که توسط این سازمان برای دستیابی به آن انجام شده یا در حال انجام است، تشریح نموده و شما را از نقض تان در تحقق حاکمیت قانون نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌الملل نیز آگاه ساخته باشم. آگاهی، قدرت است و آگاهی دقیق از حقوق بین‌الملل، اصول و روح پویای آن، بهترین محافظی است که بشر می‌تواند در برابر تکرار اشتباهات گذشته ایجاد کند و بهترین پلی است که شما می‌توانید به سمت دنیایی بهتر - دنیایی که در کلیه امور مردان و زنان تمامی ملل، نهایتاً حاکمیت قانون غلبه خواهد یافت - ایجاد نمایید. تعهداتی که ما برای تقویت و پیشبرد حاکمیت بین‌المللی ایجاد می‌کنیم، میراثی نهایی برای نسل‌های آینده خواهد بود. امیدوارم که بتوانیم به قرن تحت حاکمیت قواعد رفتاری مورد پذیرش عمومی وارد شویم؛ جهانی که مردم بتوانند با عزت به زندگی خویش ادامه دهند. ردپایی از این تعبیر را می‌توان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز یافت. براساس اصل پنجاه و ششم مجلس شورای اسلامی قانونگذاری می‌کند و «برای اجرا» به قوه مجریه و قوه قضائیه ابلاغ می‌گردد. ■

● Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents, adopted by the General Assembly on 14 December 1973, including Diplomatic Agents, adopted by the General Assembly on 14 December 1973, *United Nations Treaty Series, Vol. 1035*, p. 167. (The Russian Federation ratified the Convention on 15 January 1976).

11. See <http://www.uncitral.org>

12. General Assembly resolution 217 A(III) of 10 December 1948.

13. See <http://www.un.org/Depts/los/index.htm>

14. Il. See The European Court of Human Rights and the Inter - American Court of Human Rights and also <http://www.dhcourt.coe.fr> and www.oen.org, respectively.

15. Document PCNICC/1999/INF/3 and <http://www.un.org/law/icc/index.htm>.

۱۶- اسامنامه این دیوان یا تودیع ده سند تصویب در ۱۱ آوریل ۲۰۰۲ در خلال نهمین نشست کمیسیون مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری، آستانه لازم برای لازم‌الاجرا شدن، را کسب کرد و در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. (م)

۱۷- در حال حاضر، ۸۱ دولت اسامنامه مذکور را تصویب کرده‌اند.

18. The Secretary - General's statement at the ceremony on Campidoglio in Rome on 18 July 1998 - <http://www.un.org/law/icc/speeches/718.sg.htm>

۱۹- این اعلامیه در پایان شصت و پنجمین نشست مجمع عمومی، شد. (م)

20. General Assembly resolution 54/28 of 17 November 1999.

21. General Assembly resolution 54/27 and 54/28 of 17 November 1999.

22. Document A/RES/55/2.

23. They comprise : the Genocide Convention, the Convention on the Elimination of Racial Discrimination, the International Covenant on Civil Political Rights and its two Optional Protocols, the Convention on the Elimination of Discrimination Against Woman and is optional Protocol, the Torture Convention, the Convention on the Rights of the Child and its two new Optional Protocols, the Convention on the Protection of the Rights of Migrant Workers, the 1951 Gene Convention on Refugees and its Protocol of 1967, the Convention on the Safety of UN and Associated Personnel, the Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, the Rome Statute of the International Criminal Court, the 1980 Inhumane Weapons Convention and its Protocols, the 1992 Chemical Weapons Convention, the Comprehensive Nuclear - Test - Ban Treaty, the Ottawa Landmines Convention, the Kyoto Protocol to the UN Convention on Climate Change, the Convention on Biological Diversity and the Convention to Combat Desertification.

24. Such assistance is given *inter alia* by the Office of the High Commissioner For Human Rights; the Office of the High Commissioner for Refugees; the UN Environment Programme; the International Trade Law Branch of the Office of Legal Affairs; UNICEF; UNDP.

25. Office of the High Commissioner for Human Rights; the Office of the High Commissioner for Refugees.

26. <http://www.un.org/law/counsel/info.htm>

27. Professor Sharon Williams, sharonw@yorku.ca

28. See <http://www.un.org/law>.

1. *Conference on "International Rule of Law and the Mandate of the United Nations"*, represented in *Entering the 21 st Century: Towards the Rule of Law in International Relations*, (Moscow, 2 Nov. 2000).

2. Hans corell

۳- عبارات گوناگون نظیر *etat de droit* در زبان فرانسه و *rechtsstaat* در زبان آلمانی همین اصل می‌باشند.

4. Sir Arthur Watts, "The International Rule of Law", *German Yearbook of International Law, Vol. 36* (1993), pp 15 - 45. See the statute of the Council of Europe and to the Conference on Security and Cooperation in Europe (CSCE; now OSCE), as well as the statements on 'the primacy of international law in politics' by Mikhail Gorbachev in Pravda on 17 September 1987, and to the speeches by Edvard Shevardnadze and Mikhail Gorbachev at the 43rd session of the United Nations General Assembly, UNDocs. A/43/PV. 6, 68 and A/43/ PV. 72 , 22. See also Ian Brownlie, *The Rule of Law in International Affairs*, Martinus Nijhoff Publishers, 1998, p. 242.

شاید به یاد داشت که مرجع اصلی اجرای قانون توره مجریه است ولی کار توره قضاییه نیز ماهیتاً اجرای قانون ولی صرفاً در مقام حل و فصل و دعاری است. همین امر باعث شده که برخی فلاسفه قرن هیجدهم، به جای نظریه توری سه‌گانه، تفکیک دوگانه تورا مطرح نمایند. حتی ردهایی از این تعابیر را می‌توان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز یافت. براساس اصل پنجاه و ششم مجلس شورای اسلامی قانونگذاری می‌کند و برای اجراء به توره مجریه و توره قضاییه ابلاغ می‌گردد. (م)

6. *United Nations Treaty Series. vol. 999*, p. 171. The Russian Federation ratified the Covenant on 16 October 1973.

7. *United States Treaty Series*, No. 993.

8. <http://untreaty.un.org>.

9. See "United nations and Human Rights 1945 - 1995", *Blue Book Series, Vol. VII*, Sales No. E 95. 1. 21.

10. Convention on Diplomatic Relations, done at Vienna on 18 April 1961, *United Nations Treaty Series. Vol. 500*, p. 95. (The Russian Federation ratified the Convention on 25 March 1965)

● Convention on Consular Relation, done at Vienna on 24 April 1963, *United Nations Treaty Series, Vol. 596*, p. 261. (The Russian Federation acceded to the Convention on 15 March 1989).

● Convention on the Law of Treaties, done at Vienna on 23 May 1969, *United Nations Treaty Series, Vol. 1155*, p. 331. (The Russian Federation acceded to the Convention on 29 April 1986).

● Convention on Succession of States in Respect of Tretics, done at Vicnna on 23 August 1978, document A/CONF. 80/31.

● Convention on the Law of Treaties between States and International Organization or between International Organization, done ot Vienna on 21 March 1986, document A/CONF. 129 / 15.